

تعمیرات تاریخی

از مجله آسیائی نوامبر ۱۹۳۸

ایران پیش از تاریخ

تمدن باستانی ایران در ۷۰۰۰ سال قبل

در جلگه ها و دره های آسیای غربی تپه های متعددی دیده میشود که تقریباً از سواحل مدیترانه آغاز گردیده و تا کشورهای دوردست افغانستان و هندوستان ممتد میگردد. این تپه ها آثار و آبادی مردمانی است که از چند هزار سال قبل در این آبادیها و دهکده ها زندگی میکردند. علت تشکیل این تپه ها که برخی از آنها بیشتر از ۳۰ متر از سطح جلگه ارتفاع دارند بخوبی آشکار است. مردمان ادوار قبل از تاریخ خانه های خود را از گل فشرده شده و یا خشت خام درست میکردند و ابتدا بشفته یا بنیان توجهی نداشتند بلکه تنها زمین بنارا محکم کوبیده و درروی آن خانه میساختند.

وقتی خانه ای خراب می شد همان خاک ریخته شده را کوبیده و بجای شفته بکار می بردند. باین جهت دهکده ها و آبادی های بسیار قدیم بدین ترتیب بوجود می آمدند. و همین جهت است که باستان شناسان در ضمن حفاریات خود در این قبیل تپه های مصنوعی ۱۰ یا ۱۵ سطح متراکم از خانه ها پیدا کرده اند که به مرور زمان روی یکدیگر بنا شده اند. از میان این تپه ها دو تپه که در هر یک در فاصله ۵۰۰ متر از یکدیگر قرار گرفته است در نزدیکی شهر کاشان توجه باستان شناسان را بخود جلب نمود و دانشمندان باستان شناسی اعزامی موزه لوور فرانسه در ۷ سال قبل بفر آن اقدام کردند. حفاریات این اعزامیه در تپه های نزدیک کاشان که سیالک نامیده میشود در یکسال قبل بیابان رسید و در نتیجه اعزامیه لوور بافتخار کشف قدیمترین تمدن های مناطق مرتفع و کوهستانی کشور ایران موفق گردید. آغاز این تمدن شگفت آور در پنج هزار سال قبل از مسیح یا ۷۰۰۰ سال پیش بوده.

اکتشافات طبقات الارضی و سنگ شناسی اخیر در ایران اکنون این نظریه را تأیید کرده که در دوره یخ یعنی در چند هزار سال قبل جلگه وسیع ایران مانند قسمت مهم قطعه اروپا از یخ پوشیده نشده بود بلکه قسمت مرکزی جلگه ایران که اکنون بیک کویر یا شوره زار بزرگی مبدل گردیده یک دریاچه بزرگ ولی کم عمقی بوده. دریایان این دوره که نسبت بایران باستی آنرا دوره بارانی نامیدند دوره یخ کوهستانی که در ساحل این دریاچه

بزرگ قرار گرفته بود خالی از سکنه نبود بلکه مردمانی در آنها زندگی و با شکار حیوانات غذای خود را فراهم میکردند و در غارها و دغمه های کوه زندگی مینموده اند. وقتی دوره بارانی بدوره خشکی که تا کنون ادامه یافته است مبدل گردید در طرز زندگی این مردم تغییر مهمی حاصل شد، در نتیجه تغییر آب و هوا دریاچه بزرگ خشکین آغاز کرد و باتلاق هایی که در دور آن بودند بتدریج بچمنزارها و مرغزارها مبدل گردیدند. در تعقیب و شکار حیواناتی که بقصد چرا بآنجا می آمدند مردمان کوهستانی نخست برای شکار و بعد برای سکونت باین جلگه مهاجرت کردند. قدیمترین باقیمانده های استخوان انسانی که بدست اهزامیه در تپه های سیالک کشف شده باین دوره مربوط میباشد.

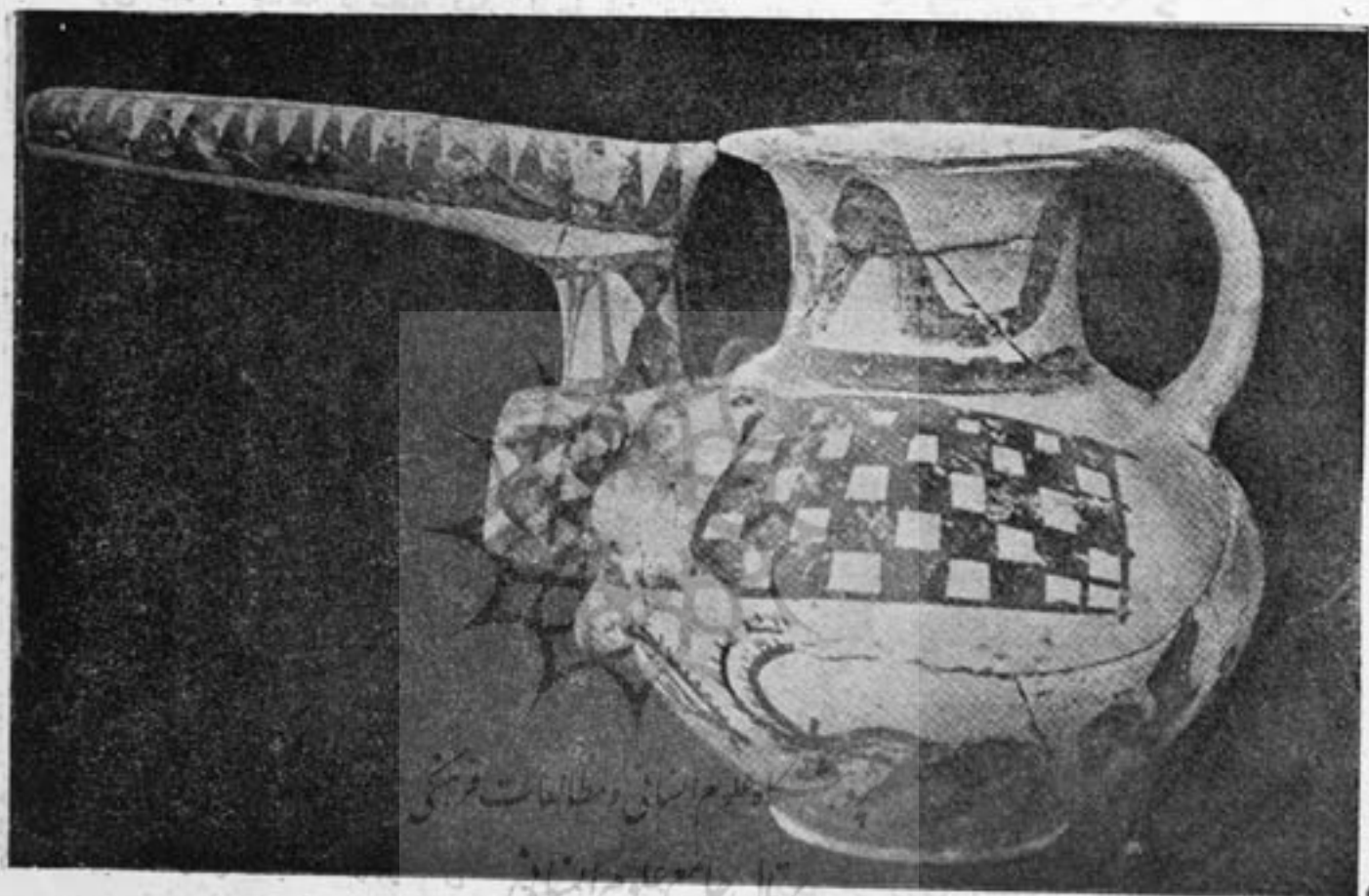
در ساحل این دریاچه که اکنون بکویر مبدل شده ایرانیان بسیار قدیم نخستین کلبه های خود را در دشت بنا کردند. در آغاز کار آن ها از خاک یا خشت خانه ساختند بلکه کلبه های از نی برپا کردند که بامالبدن گل بسوراخ های آن از قوئذ باران جلوگیری میکرد. کم کم از شدت باران کاسته شد و تنها گاهگاهی باران میبارید. در این هنگام مردمان این دوره بیک مرحله تحولی در طرز زندگی خود رسیده و باشخم و شیار

این گراور تصویر قدیمترین مجسمه هائست که تا کنون در مغرب آسیا پیدا شده و به ۷۰۰۰ هزار سال قبل متعلق است.



زمین کوچک و محدود جلو کلبه خود نخستین تلاش در پیشه کشاورزی را آغاز کردند. در میان ابزارهای سنگی مختلف پیل‌هایی از سنگ پیدا شده که در صورت نگاه داشتن در دودست هم بجای پیل وهم بجای گاو آهن کار میکند.

استخوان‌هایی از حیوانات که در اینجا بدست آمده ثابت میکند که در این دوره بسیار کهن نیز انسان باهلی کردن بعضی از حیوانات مانند گاو و بز موفق گردیده بود.



بعضی از قبرها در گورستان دارای مقدار زیادی ظروف سفالی بوده و از همه زیاتر کوزه یا ساغر عجیبی است که در تصویر مشاهده میشود و دارای نقوش مهندسی و اشکال حیوانات است.

با وجود این مردمان آن دوره بشکار ادامه داده و بوسیله مختلف حیوانات وحشی را زنده یا مرده بچنگ می‌آوردند، مهمترین اسلحه آن‌ها در شکار عبارت بود از فلاخن و گرز. نبودن اثری از تیر در میان اشیاء کشف شده حکایت میکند که هنوز در آن دوره انسان نمیدانست چگونه بایستی تیر و کمانی بسازد. اگر از روی نقاشی‌های ظروف دوره‌های بعد قضاوت کنیم میتوانیم ادعا کنیم که ایرانیان آن دوره حیواناتی مانند شیر و

پلنگ و گاو وحشی و غزال و اقسام مرغ های بزرگ مانند شترمرغ را شکار میکردند. تمام این حیوانات اکنون ناپدید شده اند و بغیر از غزال هیچک از این حیوانات در کویر دیده نمی شوند.

این شکل نیمه مسکون از زندگی بانگسین تلاش آن در پیشه کشاورزی و آبیاری زمین ها که در این سرزمین ضروری بود طبعاً مردمان آن دوره را بایجاد یک جامعه منظمی سوق داد. چنانکه در سطح دیگر از حفریات بزودی نخستین ردیف از خانه ها پدیدار گردید که از گل کوبیده شده ساخته شده اند. در میان این خانه ها کوزه های بزرگ برای نگاهداشتن آذوقه کشف گردیده. هر چند که کوزه گری در آن دوره وجود داشت ولی هنوز در یک وضعیت بسیار ناقصی بود. هنوز کوره و چرخ کوزه گری کشف نشده بود. کوزه ها را بادیست ساخته و در میان آتش دره های آزاد می پختند؛ ولی حسن ظرافت مردمان آن دوره را وادار کرده بود که درون و بیرون ظرف های سفالی خود را بنقش هایی منقش کنند. و فور دوکهای نخ تابی که از گل خشک ساخته شده اند آغاز پیشه نساجی را نشان میدهد. در اماکن دور دست شرق هنوز سیاحان میتوانند چنین دوکهایی را ببینند که برای تهیه نخ های پشمی و یا پنبه ای بکار برده میشود. دسته ها و نای سنگی کوچک که با آن رنگها را در هاون های کوچک سنگی خرد میکردند آشکار میکند که حتی در این دوره نیز خال کوبی معمول بوده. مردان و زنان رشته هایی از مهره و سنگ سفید و صدفهای کوچک بگردن مینویختند و از سنگ انگشترها و انگشترهایی برای خود میفرشیدند.

در اکتشافات علمی و منظم که آثار تمدنهای ناوید شده را آشکار ساخته هرگز تا کنون چنین اشیائی که از سنگ یا استخوان تراشیده باشند پیدا نشده بود. باین جهت حفریات در تپه سیالک وجود من حیرت آوری از کهنه کاری در روی استخوان را آشکار ساخته است که در آن دوره پیشرفت چالب توجهی حاصل کرده بود. اخیراً در میان باقیمانده های این خانه ها یک دوره کامل از دسته های سنگ چخماق پیدا شده که حاوی مجسمه هایی از سر حیوانات یا سر انسان می باشد.

این دسته ها بطور کلی از استخوان حیوانات کنده شده اند و تا نیمه آنها شکاف است. برای چسباندن پارچه های سنگ چخماق باین شکافها مردمان آن دوره از قیر استفاده میکردند. این خود موجب شکفتی است که چگونه در آن دوره تاریخ انسان به استفاده از قیر آشنا شده بوده. ابزارهایی که بشکل بالا پیدا شده اند بطور کلی داس آن دوره بشمار میروند.

مجسمه ای از سر انسان که در دسته یکی از این ابزارها کنده شده قدیمیترین مجسمه ای است از انسان که تا کنون در آسیای غربی کشف گردیده. با وجود مهارتی که در

کننده کاری آن مشاهده میشود نمیتوان گفت که هنرمزبور مرحله ابتدائی را طی نمیکرده است چه سازنده آن استعداد و زبردستی خود را چه در تناسب و چه در ظرافت بخوبی نشان داده. قیافه مجسمه و عضلات بدن آن و لباسی که دارد از مهارت سازنده حکایت میکند. باین جهت میتوان گفت که کوه نشین های ایران حتی در آن دوره تاریک که در غارها زندگی میکردند این هنر را داشته اند.

در فراز پنج سطح از دهکده ها که بر رویهم بنا شده و ۱۲ متر ضخامت آست ۳ سطح دیگری هست که نماینده دوره دیگری میباشد. ضخامت این ۳ سطح بیشتر از ۷ متر نیست. این دوره در حقیقت نماینده جنبه عادی و منطقی پیشرفت انسان است که در امتداد آن انسان به دو اختراع مهم نائل گردید. یکی از آنها کوره ظروف پزی و دیگری آجر سازی است.

در پنج سطح پائین که نخستین دوره تمدن سیالک را نشان میدهند در ۳ سطح آن اثری از استعمال فلز بدست آمده. اشیاء فلزی که در این ۳ سطح پیدا شده عبارت است از سنجاقهای کوچک مسی که آنرا گرم کرده و با چکش کوبیده به اشکال مختلف در میآورند. صناعت فلز در ادوار اولیه خود بود و انسان تازه فهمید که استفاده از فلز امکان پذیر است و مسی را که بکار میبرند از جایی در ۱۰۰ کیلومتر فاصله از سیالک تحصیل میکردند.

مرده هارا همواره زیر خانه دفن میکردند. در استخوانهای آنها آثاری از رنگ سرخ مسی مشاهده شده. در یکی از قبرها تبر سنگی کوچکی با دو فك گوسفند در پهلوی کوزه مرده کشف گردید. این جامعه قدیمی به نوعی از زندگی پس از مرگ معتقد بوده و از این جهت جسد مرده را بدون غذا و اسلحه نمی گذاشت تا در زندگی دیگر خود بدون اسلحه و غذا نماند.

چنانکه دیدیم در دوره قبل ظروف را در هوای آزاد میان آتش می پختند ولی چنانکه معلوم میشود در دوره بعد یعنی در دوره مخصوص به ۳ سطح بالائی و ضعیف دیگرگون میشود. پس از سلسله ای از تلاشها و تجربیات سخت پیشه وران بساختن کوره ای موفق گردیدند. در این کوره آنها میتوانند گرما را تحت اختیار در آورده و مطابق سلیقه خود ظروفی یک رنگ و یکنواخت بیرون بیاورند و در عین حال توجهی بیشتر به تزئین و پرداخت شد و پیشه وران نخستین بار موفق شدند ظروفی دارای نقشه های هندسی و صور حیوانات از قبیل غزال و گراز و غیره بوجود آورند.

اختراع آجر نیز در نتیجه آزمایش دور و دراز عملی گردید. قدیمترین آجرها کلوخه ای

از گل است که بدون قالب و بادست ساختند ولی بهرور زمان در این ییشه نیز پیشرفت حاصل شده و آجرهای مرتب بوجود آمد. برای تزئین خانه‌های خود انسان دیوارهای داخل خانه را با رنگ سرخ رنگ آمیزی کرد. هر چند که در این دوره اشیاء مسی بیشتر کشف شده ولی اثری از بهبودی در این هنر چندان مشاهده نمیشود. باین جهت میتوان گفت که پیشرفت در فلز کاری کند تر از ظروف سازی میباشد.

هنوز در این دوره مرده‌ها را زیر خانه دفن میکردند ولی در نزدیکی جسد آنها مهره‌ها و انگوهائی پیدا شد که از صدفهای بزرگ دریائی بساخته اند.

این صدف‌ها را از خلیج ایران و مهره‌های فیروزه‌آبی رنگ را از قسمتهای شرقی ایران میاوردند. آثار و مدارک تاریخی که از این اشیاء کوچک بدست آمده بسیار مهم است. درین

دوره که بچهار هزارسال قبل از مامتهی میگردد نوعی از اصول مبادله معمول

بوده و مردمان سیالک در این دوره

بدادوستد حسابی مشغول شده ظروف

سفالی و کالاهای کشاورزی و شکار

های خود را با کالاهائی مبادله میکردند.

یکی از الواح گلی ۶۰۰۰ سال قبل که بر آن

۶۳ نگاشته شده است ۰ هر یک از سوراخهای

گرد نموده عدد (۱۰) است و هر یک از سوراخهای

مستطیل عدد (۸) را نشان میدهد.

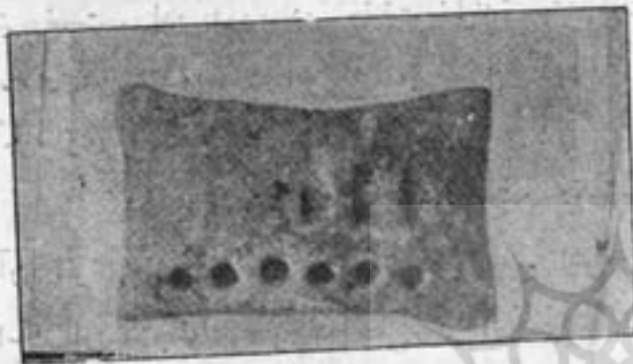
علاوه بر این استخوان‌های حیوانی که در خانه‌های این دوره کشف شده ثابت میکند که خوک و سگ و اسب در آن دوره کاملاً اهلی شده بود.

این نخستین بار است که دلیل وجود اسب در یک چنین دوره بسیار قدیمی در منطقه کوهستانی ایران بدست آمده. بطوری که آثار تاریخی نشان میدهد از این سر زمین اسب بطرف غرب یعنی بین النهرین برده شده و بهین جهت است که اهالی این جلگه در متن الواح خود اسب را الاغ کوههای شرقی مینامند.

در تیه شمالی سیالک در دوره دوم تمدن محلی آثار زندگی ناگهان موقوف گردیده. علت این ترك زندگی ناگهانی برای ما مجهول است. ولی ادامه همان تمدن و آبادی در

عمیق‌ترین سطح از خرابه‌های تیه جنوبی کشف گردید. در اینجا دوره سوم تمدن سیالک در ۸ سطح متراکم از خانه‌ها نمودار میشود وضخامت آن به ۱۱ متر بالغ میگردد. در این

دوره خانه‌ها از آجرهای خوب و قالبی ساخته شده و این خود دلیل است بر پیشرفت ییشه معماری. دیوارهای خانه را از داخل بایک رنگ سرخ یاسفید مزین کرده اند. در خانه‌های



ایران پیش از تاریخ

بقیه از صفحه ۴۴۶

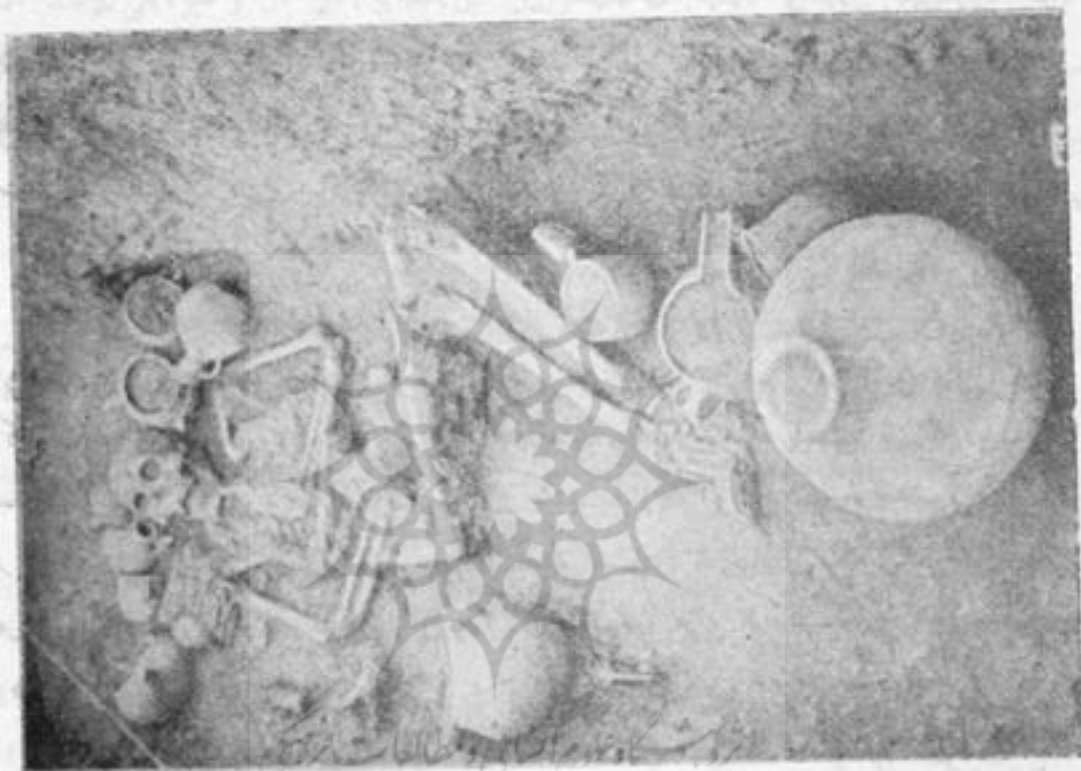
سطوح بالاتر پارچه‌های بزرگی از سفل را در میان آجرها بدیوار فرو برده و با کج آنها را محکم کرده اند تا رطوبت بداخل خانه راه نیابد. کوزه‌گرها به تکمیل آلات و ابزارهای فنی خود ادامه داده و چرخ کوزه‌گری نخستین بار در تمدن این سازمان پدیدار میشود. نتیجه این اختراع بزودی مشاهده میگردد و با ساختن ظرفهای بسیار عالی و زیبا این دوره سوم بخوبی از سایر دوره‌ها مشخص و جدا میگردد. تنوع اشکال ظروف باخوبی و ظرافت نقشه‌هایی که ظرفها را مزین کرده برابر نمیشود. در این ظروف صور گوناگونی از غزال و شکار کوهی و سگ و پلنگ و مرغها و بالاخره خود انسان دیده میشود و هواره انسان را بر سایر حیوانات فاتح نشان میدهد.

در این دوره صنعت فلز سازی سرعت پیشرفت میکند. ابزارهای سنگی ناپدید شده و ابزارهای فلزی جای آنها را میگیرد. در میان اشیاء فلزی تبرها و بیل‌هایی کشف گردیده که باسندان ساخته شده‌اند. در این هنگام انسان میداند چگونه باستی فلز را ذوب کند ولی نخستین قالبهایی که در ریخته‌گری استعمال میشد یکپارچه بود نه دوپارچه.

در تزئینات نیز پیشرفت محسوسی مشاهده میشود. سنجاقهای بلندی از مس با سر گرد و مهره‌هایی از یشم و سنک لاجورد و فیروزه و گوشواره‌هایی از سنگهای شفاف و بلوری و صدف در این دوره کشف شده.

بایدیدار گشتن مهره‌های سنگی که استعمال آن در اندک زمانی عمومیت پیدا میکند قدم بلندی در پیشرفت تمدن برداشته میشود. این اشیاء کوچک علاقه مردم آندوره را نسبت به تعیین نام و نشان و دارائی خود بخوبی نشان میدهد. از این رو میتوان چنین نتیجه گرفت که مبادله و دادوستد بازرگانی ما بین مردمان سرزمینهای مختلف در آن دوره چیز اتفاقی و نادری نبوده. در حقیقت انسان از آن مرحله گذشته بود که در آن کالاهای آبادی خود او میتواند تمام احتیاجات زندگی وی را برطرف کند. دادوستد واقعی آغاز گردیده و کالاهای حمل شده با این مهرها مشخص میگردد. فلزها را از اصفهان و اطراف آن می‌آورند. صدفهای دریائی از سواحل خلیج ایران تحصیل میشد. فیروزه را از خراسان می‌آوردند. سنک لاجورد را از افغانستان و یشم را از هندوستان یا چین وارد میکردند. با اهل شدن اسب در ظرف هزاره چهارم قبل از میلاد مسیح مسئله مهم حمل و نقل نیز حل گردیده بود.

بناهای طبقه هشتم که بیش از اندازه خراب و متلاشی شده در زیر قشر سنگینی از خاکستر ناپدید گشته . استخوانهای انسانی در وضعیت های عجیب و جمجمه های بدون جسد که در همه جای آن پیدا شده مارا معتقد میسازد که در جریان يك جنك خونخوارانه ای آبادی بدست مهاجمین اجنبی محو و نابود گردیده . برای اثبات این نظریه در فراز آوارهای این خرابی خانه های تازمائی پز شده و علاوه بر این تمام اشیائی که در این آبادی تازه کشف شده کاملاً متفاوت از اشیائی است که در طبقات پائین بدست آمده . تمدن قدیمی که تکامل



یکی از اجساد گورستان سیالک در سال ۱۹۳۱ میلادی در مقابل سکنی میلاد . این مرده را اشیاء زیادی از ظروف و ترکش و ییکان مسی و دهنه آسب احاطه کرده و نزدیک کمرش خنجرى از آهن کشف گردیده است .

بسیار آهسته آن بیشتر از هزار سال وقت برداشته در مقابل تمدن تازه ای سر فرود آورده که از خارج آمده بود . بجای ظروف سفالی رزق شده ظروف یکرنگ و یکدست معمول میگردد . مهرهای آویز مانند از بین رفته و بجای آن مهرهای استوانه ای شکل به میان می آید و نخستین بار در دوره اکتشافات خود در جلگه ایران اعزامیه نوشته هائی از قدیمترین ادوار بدست می آرد .

پس از اختراع کوره و چرخ کوزه گری پس از کشف فلز و طریق ذوب آن

اسان در تلاش دائمی بمنظور تکمیل تمدن خود اینک یکی از حیرت آورترین ابتکارات فکری خود یعنی نوشتن بر میخورد. تمام آثار و قراین شخص را بداشتن این عقیده و ادار میکند که تکامل و پیشرفت دادوستدهای بازرگانی بشر را بنویشتن و ضبط و ادار کرده. قدیمترین الواح که از گل بسیار ظریف بشکل چهارگوش ساخته شده اند تنها حاوی اعدادی میباشند که باقلم فلزی نوك تیزی حک شده اند. پس از اندک زمانی در روی الواح پهلوی اعداد علائمی دیده میشود که نوع اجناس را معین میکند و کالاهائی مانند گندم و جو و کره و غیره را معلوم میدارد و اگرچه هنوز مطالب این الواح کشف نشده ولی اصول اعداد بخوبی واضح و روشن است. بعضی از الواح سوراخ مخصوصی دارد که نخ را از آن گذرانده و بعدلی از کالامی بستند که بجائی فرستاده میشد. به این جهت می توان گفت که در اینجا اعزامه قدیمترین نوعی از انبکت تجارنی را یافته است.

در نتیجه حفاریات ۳۰ سال قبل اعزامه فرانسه در شوش آثاری از این تمدن تازه کشف شده و الواحی بدست آمده بود و «فادرشیل» متن نوشته های چندین صد از این الواح را که در شوش پیدا شده بود منتشر نمود. این خرابه های شهر بسیار قدیمی در آن قسمت از جلگه ایران که نا منتهای خلیج فارس ممتد میگردد نفوذ مهمی داشته. و از اینجاست که تمدن عیلام در موقعی که دولت تازه ای تا سرگرج جلگه ایران استیلا یافت سیالک راه پیدا کرد. تمدن شوش دارای نشانه های واضحی است که شباهت آنرا به تمدن معاصری که در بین النهرین پیشرفت میکرد نشان میدهد. آثار خطی آن مدتی است کشف و خوانده شده و چندان فاصله ای با آغاز دوره تاریخی ندارد. این شباهت ها با تمدن بین النهرین فوق العاده جالب توجه می باشد و هشت اعزامه را بر آن میدارد که تاریخ اشیاء کشف شده را بیابان هزاره چهارم قبل از میلاد نسبت دهد.

تا کی این مردمان تازه وارد سیالک را در تصرف داشتند؟ پاسخ این پرسش چندان آسان نمی باشد. آثار این دوره تازه در دو سطح از خانه های متراکم مشاهده میشود و شاید بیش از دو قرن ادامه نیافته باشد. بعداً بنا برعللی که برای ما مجهول است این تمدن نیزه نوبه خود نا پدید گشته و تا مدت مدیدی سیالک خالی از سکنه ماند. این وقفه عجیب تقریباً تا ۱۰۰۰ سال امتداد می یابد. معلوم نیست در نتیجه تغییر آب و هوا محل مزبور غیر قابل سکنی گردیده و یا اینکه چشمه بزرگی که نزدیک کوه هست و امروز نیز باقیست یکمرتبه خشکیده باشد. بنابر شواهدی که از طریق حفاری بدست آمده در حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح مردمان دیگری از نودرتبه سیالک سکنی گزیده اند. این مردمان تازه وارد تشکیلات اجتماعی منظم و مرتبی داشته و عمارت های بسیار مهمی بنا کرده اند. از خرابه های

این آئینه که برور زمان آسیبهای فراوان دیده‌اند تنها چند فقره اشیاء کشف شده . این مردمان تازه وارد عادات و رسوم متفاوتی داشته‌اند. آنها مرده‌های خود را در زیر خانه دفن نمیکردند بلکه در خارج از آبادی گورستان بزرگی ترتیب داده بودند . پس از مدت‌ها تلاش و جستجو اعزامیه به پیدا کردن این گورستان موفق شد و در آن بیشتر از ۲۰۰ قبر حفر کرد .

در این گورستان مرده‌ها را در عمق یکتر دفن میکردند و برای تشریفات مرده اشیاء نفیس و بی‌شماری در قبر می‌گذاشتند. هر یک از قبرها سرسنگی مشخص داشته .



زنان سیالک در ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد سنجاققاو گوشواره‌هایی از برنز و نقره و آهن داشتند. آئینه عجیبی از برنز در وسط تصویر مشاهده میشود که زنان با آن به آرایش می پرداختند .

مردمان نامی و جنگجو را با اسلحه خود دفن میکردند چنانکه در یکی از این قبرها ترکیبی با چند پیکان مسی با مقداری اسلحه بزودی کشف گردید و از میان این اسلحه بزودی دهته لجام آسی را نیز کشف شد و از اینجا معلوم میشود که اسب در حیات این مردم مقام مهمی بود .

آنچه بیشتر از همه اهمیت دارد اینست که در آن دست یکی از مرده‌ها خنجر یکی از آهن کشف گردید و از این رو واضح میشود که در این دوره انسان تازه به استفاده از آهن آشنا شده بود ولی هنوز این فلز بسیار کم یاب و گران قیمت بوده است . میان مردمی که در این گورستان بخواب ابد رفته‌اند و مردمی که نخستین بار سیالک را تشکیل دادند ۳۰۰۰ سال فاصله است . بنا بر این قرنهای متمادی لازم آمد تا این پیشرفت در فلزکاری بوجود آید . کمیاب بودن آهن از آنجا معلوم میشود که فقط در قبر اشخاص ثروتمند اسلحه و ابزارهای آهنی پیدا شده سایر اشخاص آهن را مانند طلا و نقره برای ساختن آلات تزئین بکار میبردند .

بیشتر مرده‌های این دوره را مقدار زیادی ظروف سفالی احاطه کرده است . از همه زیباتر و جالب توجه تر کوزه هائی است که دهته ناودان مانندی دارد . این کوزه‌ها با نقوش هندسی و صور قشنگی مزین گردیده و ظاهراً در مراسم و تشریفات دفن به مصرف می رسیده اند . زنها نیز بنوبه خود با آلات زینت قشنگی از آهن و برنز و قره خود را می آراستند . اکنون باید دید این نژاد اسب دوست که خانه های خوب ساخته و از آهن اسلحه و آلاتی درست میکرد و در واقع نماینده آخرین دوره تمدن سیالک می باشد که بوده و از کجا آمده ؟ پرفسور والوا استاد دانشسرای عالی تولوز جمجمه های این نژاد را که از گورستان سیالک کشف شده مورد مطالعه قرار داده . این جمجمه از حیث خواص و شکل بجمجمه های اهالی قدیمی ایلیری کاملاً شباهت دارد ایلیری ها مردمانی بودند که در شمال غربی یونان زندگی میکردند . پرفسور والوا معتقد است که این نژاد مخصوصاً ابتدا شباهتی بآن نژاد ها ندارد که در ادوار قبل در سیالک زندگی میکردند .

از طرف دیگر در نتیجه مطالعه دقیق اسلحه و ظروف سفالی و آلات تزئین این نژاد معترف شده است که نژاد مزبور وابستگی کاملی باتمدنهای ماوراء قفقاز و جنوب روسیه و جلگه دانوب و تسالی داشته . از این قرار میتوان گفت که در آغاز هزاره دوم و پایان هزاره اول قبل از میلاد تمدنها و نژادهائی دریای سیاه را دور زده و از گذرگاههای قفقاز به جلگه مرتفع ایران راه یافته اند علائقی که بین تمدن اروپا و تمدن قدیمی فریجی های آسیای صغیر کشف شده دانشمندان را وادار میکند که اهالی سیالک را نیز بهمان نژاد هند و اروپائی منسوب کنند . فریجیها مردمانی بودند از نژاد هند و اروپائی که نسبت کامل و نزدیکی با ایلیریهای داشتند که از ترانس به آسیای صغیر مهاجرت کردند .

قدیمترین مدارک تاریخی در خصوص نژاد هند و اروپائی یا اگر بهتر بگوئیم نژاد هندو ایرانی منطقه کوهستانی از سالنامه های پادشاهان آشور در قرن نهم قبل از میلاد بدست آمده که برای نخستین بار از مادها و ایرانیان گفتگو میکند . ولی دانشمندان امروزی بطور کلی معتقدند که نفوذ این قبایل ب قسمت غربی جلگه ایران در قرن دهم قبل از میلاد آغاز شده و این تاریخ مطابق است باتاریخی که ما بر تمدن گورستان سیالک نسبت داده ایم . هر چند که ما بطور قطع نمیتوانیم بگوئیم که تمدن آن دوره مربوط به تمدن مادها و یا ایرانیان بوده ولی با کمال اطمینان میتوانیم تأیید کنیم که این دو نژاد نیز از همان هند و

ایرانی هائی بوده اند که در ده قرن قبل از میلاد بر اثر مهاجرت هائی در جلگه مرتفع ایران پدیدار گشتند و گورستان بزرگ سیالک بخوبی تمدن آنها را با نشان میدهد.
 بنابراین حفريات سيالك وجود يك تمدن بسیار کهن و متمدنی را بر ما ثابت میکند.
 که بدون وقفه از هزاره پنجم تا فرنیهای اخیر هزاره چهارم قبل از میلاد ادامه داشت و پس از آن با تبدلانی مواجه میشویم که بر اثر نفوذ خارجی در این تمدن پدید آمد.
 در آخرین و بالاترین طبقه مسکون از خرابه های تپه سیالک نخستین بار در تاریخ حفريات باستان شناسی در جلگه مرتفع ایران شخص میتواند يك تمدن کاملاً واضح ایرانی را تشخيص دهد.

پس از چند قرن دیگر همین تمدن به معظمترین ادوار تاریخی خود منتهی میشود و شاهنشاهی نبرومند هخامنشی در سرزمین ایران تشکیل میگردد.

بسستی کسی زمرک نجست

تا توانی مگش ز مردی دست که بسستی کسی زمرک نجست
 ماهی از شست بگسلد در آب بسته او را بخشکی آرد شست
 هر که با جان نایستاد بر زم دانکه در پیشکه بحق نشست
 سرفرازد چو تیر هر مردی که میان جنک را چونیزه بست
مسعود سعد سلمان

قطعه

تا کی کوئی که اهل کیتی در هستی و نیستی لثمند
 چون نو طمع از جهان بریدی دانیکه همه جهان کریمند

رودکی